

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته روزمره ام

نگاه اجمالی به وضعیت اجتماعی - سیاسی روبه وخامت کشور

آیا می‌توان به بهبودی اوضاع مطمئن بود؟

امنیت پایدار، خواست وضعیت کنونی

تشنج از کجا سرچشمه می‌گیرد؟

عوامل ناامنی را باید شناخت

فرایندهای امنیت و توسعه

چگونگی سیر وقایع

جنگ و صلح

قبل از طرح مسأله مورد بحث، تذکر این موضوع ضروری پنداشته می‌شود که در شرایط و وضعیت کنونی جهان، مسأله افغانستان بمثابه یک موضوع و مشکل بزرگ سیاسی محسوب گردیده که با سایر واقعیت‌های موجود سیاسی در منطقه ما و از جمله در امر مبارزه مشترک علیه بنیادگرایی و تروریسم در ارتباط تنگاتنگی قرار دارد.

تکانه‌های تصادمات و جنگ‌ها در کشور عزیز ما که شامل تهدیدات مرزی و بصورت عملی آن بازتاب دهنده منافع و مصالح بعضی از کشورها و مشروط به نیاز درک دانش شرقی می‌گردد، مدت زمان طولانی است که همچنان ادامه دارد.

در این اواخر، پخش و نشر اخبار و اطلاعات ناخوشایندی که از سیر حوادث و چگونگی انکشاف نظامی و حربی از داخل کشور توسط وسایل اطلاعات جمعی صورت می‌گیرد، قبل از همه برای ایالات متحده بصورت اخص کلمه ناخوشایند می‌باشد. دولت افغانستان، دولتی که مورد حمایت همه جانبه ایالات متحده قرار دارد، با نزاع داخلی، اختلال امور و فساد مزمن و دامنگیر دست و پنجه نرم می‌نماید، دولتی که مطابق گزارش‌های سرمفتش عمومی برای بازسازی افغانستان، بصورت تدریجی کنترلش را بر بخش‌هایی از کشور، یکی پس از دیگری از دست می‌دهد. مطابق گزارش متذکره، در اوایل سال جاری میلادی، تعداد نیروهای مسلح افغانستان، در نتیجه تلفات بیشمار آنها در میدان‌های نبرد تقلیل حاصل نموده و در مقابل، به تعداد نیروهای شورشی مخالف دولت افزایش بعمل آمده و ساحه کنترل خویش را نیز بر بسا از مناطق و محلات کشور گسترش بخشیده‌اند. مخالفان مسلح مجدد جمع و جور شده و بیش از هر زمان دیگر فعال و متحرک گردیده‌اند. هسته‌های "دولت اسلامی" نیز با تکانه‌هایی، دوباره در سطح جامعه و کشور ظاهر می‌گردند. با محاسبه وضعیت موجود در کشور، خطر سرایت هرج و مرج فراتر از افغانستان نیز موجود می‌باشد. طی ماه جوزای سال روان، جیمز ماتیس وزیر دفاع ایالات متحده در محضر کنگره آن کشور اظهار داشت که ایالات متحده در افغانستان

برنده نیست، این مخالفان و نیروهای طرف مقابل اند که بیش از پیش به "تحکیم مواضع شان مبادرت می ورزند".

علیرغم مشکلات امنیتی فزاینده در کشور، واشنگتن در افغانستان با چالش جدیدی مانند بازگشت مجدد و دوباره به بغداد مواجه گردیده است. با عدم موفقیت دولت مورد حمایت ایالات متحده در افغانستان و آشفتگی هایی در واشنگتن، اعتقاد بر آنست که با در نظر داشت این علامت، ایالات متحده در بازبینی آینده، در امر تأمین ثبات و استقرار در افغانستان موفق نخواهد شد. در مورد کشورهای منطقه و از جمله در باره روسیه باید اظهار داشت که حتا در شرایط بی ثباتی و هرج و مرج نیز در چارچوب ستراتیژی وسیعترش، در پی ارتقای موقف و نقشش در شرق میانه بزرگ و به هزینه واشنگتن می باشد.

این مسأله قابل یادآوری می باشد که طی ماههای اخیر، در فعالیت های دیپلماتیکی روسیه در قبال کشور ما نیز نشانه هایی از تحركات جدید بمشاهده رسیده که با تأکید به برقراری مجدد ارتباط قبلی با "طالب" ها متکی می باشد. اظهارات بعضی از دست اندر کاران مسایل سیاسی امریکایی بر این باور استوار می باشد که دولت روسیه، حتا سلاح های سبک و تخنیک های محاروبی را نیز بصورت سخاوتمندانه در اختیار آنها قرار می دهد.

بخاطر باید آورد که پس از خروج کامل قطعات محدود نظامی شوروی از افغانستان، مسکو در صدد تداوم حضورش در کشور ما گردید. اما این واقعیت کاملن تصدیق گردید که نه روس ها و نه افغان ها، پس از ختم مناقشات و برخوردهای نظامی، از موجودیت و تداوم حضور شوروی در افغانستان راضی بنظر نمی رسیدند، مناقشه و برخوردی که میخائیل گرباچف از آن بمثابه "زخم خونینی" بر پیکر شوروی نام برد که در نتیجه آن بیشتر از یک میلیون تن از افغان ها بخاک و خون کشیده شده و عده بی شمار دیگری نیز جراحات و زخم برداشته و یا معیوب گردیدند. اما با تغییر شرایط، در آغاز سال ۱۳۸۹ مسکو اقداماتی را بمنظور کمک به ایالات متحده در امر مبارزه علیه قاچاق مواد مخدر، آغاز نمود.

طی مدت زمان پانزده سال اخیر، سهمگیری روسیه در حل و فصل مناقشات موجود در کشور ما، در بهترین حالت آن، بصورت غیرمستقیم بود. چنین بنظرمی رسید که اهداف مسکو از اهداف ایالات متحده و هم پیمانانش چندان متفاوت نمی باشد.

پس از آنکه "طالب" ها از تحویلی بن لادن که گویا مظنون اصلی حملات یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۱ بر نیویارک و واشنگتن پنداشته می شد، خودداری ورزیدند و ایالات متحده و هم پیمانانش هم با یورش به اراضی افغانستان، حاکمیت "طالب" ها را ساقط نمودند، مسکو پشتیبانی اش را از عملیات ضد تروریستی علیه "طالب" ها ابراز داشته، تلاش های ایالات متحده را از لحاظ دیپلماتیک مورد تایید قرار داده و در عین زمان فرصت ها و امکانات خود و متحدینش در پیمان امنیت جمعی را نیز بمنظور جلوگیری از پخش و گسترش ناآرامی ها به اراضی قبلی مربوط به اتحاد شوروی به کار گرفته و به این امر نیز قانع گردید. تا ایالات متحده قوت های نظامی اش را به آسیای میانه فرستاده و زمینه های پشتیبانی از عملیات نظامی ایالات متحده را بشمول اطلاعات استخباراتی و همچنان با ایجاد زمینه های انتقال مواد خوراکی و ارسال سلاح با دور زدن پاکستان و از طریق مرزهای روسیه را به قوای ائتلاف در افغانستان فراهم نمود.

در اوایل سال حاضر، اقداماتی از جمله برگزاری و گرد همایی بشمول سران منطقوی بمنظور بحث و گفتگو در مورد اوضاع منطقه با شرکت ده کشور صورت گرفت، اما ایالات متحده در مورد سکوت اختیار نموده و از فرستادن نماینده اش به این گردهمایی امتناع ورزید.

مهمتر از همه، از نقطه نظر واشنگتن اقدامات روسیه در زمینه ارتباط با "طالب" ها که بمنظور شرکت و سهگیری آنها در امر تأمین صلح و ثبات در افغانستان صورت می گیرد، برای ایالات متحده قابل اندیشه محسوب می گردد. (ایالات متحده خود نیز طی سال ۱۳۹۳ به چنین اقدامی متوسل گردیده و اما پس از مدت زمانی معتقد گردید که چنین امکانی اصلن مقدور نمی باشد). کتون ایالات متحده به حمایت و پشتیبانی اش از حکومت افغانستان به رهبری اشرف غنی به امید پیروزی بر "طالب" ها همچنان ادامه می دهد. قرار گزارش منابع غربی، مسکو نیز بمنظور تأمین و تداوم ارتباط با "طالب" ها به اقدامات وسیع دیپلماتیکی متوسل گردیده و حتا از تحویلی سلاح و

ارائه معاونت های مالی به آنان نیز خبر داده است. اما جانب روسیه، اتهامات و ادعاهای اینچنینی مقامات ایالات متحده در مورد را کذب محض دانسته و مدعی شده اند که چنین اقداماتی در محدوده معین و به هدف کشتن "طالب"ها به میز مذاکره و گفتگو ها و سهیم ساختن آنها در پروژه صلح افغانستان صورت گرفته و ادعا می ورزند که راه حل متذکره ترکیبی از ملاحظات عملی و برنامه های ژئوپولیتیکی خارج از محدوده افغانستان محسوب می گردد.

تذکر این مسأله لازمی به نظر می رسد که از زمان حضور قوت های امریکایی در کشورما، با رویکردهای کاملن متفاوت و متضادی از جانب کشورهای منطقه در قبال قضایای کشور مواجه گردیدیم. در اینمورد با پشتیبانی روسیه از حضور ایالات متحده در افغانستان، امکان انتقال مواد مورد ضرورت قوای نظامی موجود در کشورما را از طریق اراضی خویش مساعد و مهیا نموده و همچنان با استقرار قوت های نظامی ایالات متحده در کشورهای ازبکستان و قرغیزستان نیز توافق بعمل آورد، اما مسکو از همان آغاز امر، نگرانی و مخالفتش را از استقرار و جابجایی نیروها و قوت های ایالات متحده در عمق منطقه اروپا - آسیا پنهان ننمود. بنابراین، جانب مسکو از این مسأله هراس دارد که در صورت عدم دستیابی صلح و سلم در افغانستان و خروج کامل نظامی و حربی ایالات متحده از کشورما، تشنج و ناآرامی هایی دامنگیر کشورهای آسیای میانه گردیده و در نهایت امر به روسیه نیز سرایت نماید.

با وجود آنکه هراس از سرازیر شدن تشددگرایی از طریق مرزهای روسیه و کشورهای آسیای میانه گاهی اوقات اغراق آمیز بنظر می رسد، اما واقعیتی است که بهیچوجه نباید خیالی تصور گردد. قبل از همه و عمدتن هراس از تولید موادمخدر در افغانستان و صدور آن به خارج از قلمرو کشور، قابل تأمل می باشد. مطابق ارقام و آمار اعلام شده توسط سازمان ملل در عرصه موادمخدر و جرایم سازمان یافته، روسیه در میان قدرت های جهان، کشور است که در آن مصرف موادمخدر به پیمانیه وسیعی وجود داشته و موارد اچ.آی.وی. نیز در آن کشور بمشاهده رسیده است. در این میان، مطابق آمار اعلام شده توسط سازمان ملل، به موازات کاهش اقتدار حکومتی در کشور، کشت و تولید مواد مخدر در افغانستان طی سال روان، ۴۳ درصد افزایش حاصل نمود.

این واقعیت بهمگان واضح و روشن گردیده که اقدامات ایالات متحده در زمینه کاهش تولید مواد مخدر، بدون ریشه کنی آن، در واقعیت امر ناقص بنظر می رسد.

قابل یادآوری می باشد که در کشورهای منطقه نیز در مجموع از پخش و گسترش بنیادگرایی و تشدد طلبی، هراس وجود دارد. طی سال های پایانی سده ۲۰ و آغاز سده ۲۱، پناهگاههایی ایجاد و در دسترس گروهی از ستیزه جویان از "القاعده" گرفته الی جنبش اسلامی ازبکستان بمنظور انجام عملیات تروریستی در آسیای میانه قرار داده شد. در همین وضعیت و شرایط اینچنینی، عده ای از جهاد گران بمنظور شرکت در عملیات خرابکارانه و تروریستی به سوریه فرستاده شدند. در مقابل، عده یادشده پس از شرکت در عملیات محاروبی سوریه، به کشورهای شان برگشتند، با برگشت و عودت مجدد آنها به محلات بود و باش قبلی شان، خطر تهدیدات و انجام فعالیت های تشدد آمیز از جانب بنیادگرایی، بیش از پیش تشدید گردید. قبل از همه، پیدایش هسته های داعش در اراضی کشورما نه تنها متشکل از جنگجویان برگشته از جنگ سوریه، بلکه در برگزیده افراد و اشخاص تجهیز شده با ذهنیت و برداشت بنیادگرایانه از دین و مذهب در محل نیز می باشند.

بدین ترتیب، بسیاری از کارشناسان امور مربوطه، میان "طالب"ها و داعش، تفاوت هایی را برجسته می نمایند. با شرکت و سهمگیری عده ای از "طالب"ها در جنگ های سوریه، مفکوره شبکه بین المللی "جهاد" از جانب داعش مطرح گردید. اما بیشترین مفکوره "طالب"ها، حول تسلط و کنترل بر افغانستان می چرخد تا صدور جهاد به خارج از مرزهای کشور. به گفته بسیاری ها، اکثریت قریب بتمام "طالب"ها از تجربیات جنگ در افغانستان در سهایی آموختند تا بیش از هر زمان دیگری مفکوره "جهاد" بین المللی را به کناری گذاشته و کلیه هم و توجه شان را معطوف به محدوده افغانستان نمایند.

با بررسی دقیق وضعیت کنونی کشور، احساس می گردد که دولت کنونی افغانستان به رهبری اشرف غنی، تعریف چندان نا داشته و از جانب دیگر چنین می نماید که بیش از این نباید بر امریکا حساب باز نمود. آیا می

توان با تقویت و پشتیبانی از "طالب"ها، در امر مبارزه با داعش، آنها را بکار گرفت؟ سوالیست که چگونگی سیر حوادث به آن پاسخ خواهد گفت.

نباید خصوصیت ضد داعشی را تنها بمتابله ویژگی مثبت "طالب"ها محسوب نمود. از زمانی که ایالات متحده قوت های نظامی خویش را بمنظور سرنگونی حاکمیت "طالب"ها، پس از آنکه آنها از تحویلی بن لادن به جانب ایالات متحده سرباز زدند، به کشور عزیز ما گسیل نمود، گروه متذکره از همان آغاز به امر مبارزه با نیروهای نظامی امریکایی متوسل گردیدند. در این میان، کشورهای منطقه بمفهوم عام کلمه و کشور روسیه بصورت اخص آن، امنیت شان را در خطر دیده و چنین پنداشتند که ایالات متحده تحت شعار به اصطلاح "تأمین امنیت وثبات"، بمنظور ایجاد خطر برای امنیت کشور روسیه دست بکار گردیده و همچنان متیقن اند که عدم موجودیت و نبود قوت های نظامی ایالات متحده، مفید تر از موجودیت عملی و حضور گسترده آنها در منطقه می باشد. نباید فراموش نمود که پس از انقلاب ایران (۱۳۵۸) که منجر به بیرون راندن ایالات متحده از ایران گردید، ایالات متحده در صدد ایجاد ژاندارم جدیدی در منطقه شده تا جای خالی ایران را تلافی نماید. آنها افغانستان را بخصوص از لحاظ موقعیت جغرافیایی کشور ما و بصورت عمده از لحاظ هم مرز بودن با کشورهای آسیای میانه، چین، ایران و پاکستان، بمتابله بدیل مساعد و خوبی به حساب آوردند.

دور نما و چشم انداز متذکره، از مدتی بدینسو، هشدارهایی را متوجه مسکو نموده و این هراس نیز موجود می باشد که ایالات متحده در نظر دارد تا کمک ها و معاونت های روسیه در زمینه را محدود نموده و یا در منطقه خودش مورد "خرید" قرار دهد. مسکو معتقد است که در چنین وضعیتی، نفوذ و تأثیر ایالات متحده در شرق میانه تقلیل حاصل نموده و اما روسیه در اینمورد، از امکانات رفع خلای قدرت برخوردار می باشد.

نایل گردیدن "طالب"ها به قدرت، چه از طریق راهها و وسایل صلح آمیز و مذاکره و گفتگو و چه از راه مسلحانه و قائل گردیدن سهمی به آنها در ساختار دولتی، مسأله موجودیت طولانی مدت ایالات متحده را در افغانستان تضمین نموده و در مقابل، مسکو نیز به امکان تأثیر گذاری بر حاکمیت سیاسی در کشور ما نایل خواهد گردید.

این مسأله قابل تذکر می باشد که نقش ایالات متحده در حل و فصل مناقشات بین المللی در حال تغییر می باشد. کشور نامبرده از زیر پا نمودن حقوق بین الدول که بمنظور دستیابی و دفاع از منافع ملی آن کشور انجام می دهد، اصلن احساس خجالت نمی نماید. مسأله فوق با وضاحت کامل، وضعیت کنونی را چنین به تصویر می کشد که مداخلات غیرقانونی ایالات متحده در برخوردهای نظامی و مناقشات منطوقی کنونی به هدف قرار گرفتن در مقام رهبری جهانی و حفظ همیشگی آن برای خودش می باشد.

اما تلاش ها بمنظور تقلیل نفوذ ایالات متحده در افغانستان، بصورت یک کل، با عملیات روسیه در سوریه کاملن سازگار می باشد، جایکه مسکو از رئیس جمهور بشار اسد حمایت نموده و در نهایت بمنظور حفظ و نگهداری قوت های بحری اش در بحیره مدیترانه و همچنان در مورد چگونگی فعالیت هایش در مصر، عربستان سعودی، پاکستان و حتی اسرائیل، نگران می باشد.

قابل یادآوری می باشد که مسکو با خرسندی تمام، مشارکت های جدیدی را در شرق میانه بزرگ ایجاد نموده تا تداخل ایالات متحده را در منطقه یادشده مهار نموده و حق موثریت و تأثیرگذاری در موارد مربوط به امنیت مرز هایش را برای خویش محفوظ نگه دارد.

بیشتر از این، به واشنگتن مربوط می باشد تا در اینباره تصور نماید که بدتر از وضعیت کنونی افغانستان برای ایالات متحده اتفاق نخواهد افتاد، بناءً به ایالات متحده مشوره داده می شود تا چالش های جدیدی را در مورد ببار نیاورده و چنانچه روسیه از تجربیات شخصی و منحصر بفردش، بخصوص پس از شکست در ماجراجویی های سابق آن کشور در افغانستان این واقعیت را آموخت که: خارج شدن از یک تغییر، همیشه دشوارتر از مشارکت و درگیری در آن می باشد.